

Asymmetries Effect of Institutional Quality Index on Economic Growth (The Case of MENA Countries)

Majid Afsharirad*, Farzaneh Khalili**, Abdolrahim Hashemi Dizaj***, Mehdi Yazdanshenas Bahoghgh****

Original Article	Receive Date: 22 Jan 2024	Accept Date: 04 Mar 2024	Page: 149-173
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

The relationship among institutional quality and economic growth is one of the main issues in economic growth and development and has been considered from the view point of researchers. Hence, the main objective of this article is to investigate the asymmetries effect of good governance index as a suitable proxy to institutional quality on the economic growth in MENA countries during the period of 1996-2022. For achieving this, the econometric model has been estimated by PNADL method in these countries. The empirical findings indicated that there is asymmetry effect between good governance index and economic growth in short and long-run. Moreover, the other explanatory variables such as FDI, gross capital formation and labor force have positive and significant impacts on the economic growth in long-run. But, the effect of trade openness has not significant on the GDP growth. On the base of research findings, it can be argued that at high levels of governance (low levels of corruption and redundant regulations and political constraints and high levels of political stability and the rule of law and the effectiveness of government) where the quality of institutions is also high, all six good governance components attract domestic and foreign investment, Accelerate economic growth rate.

Keywords: Institutional Quality, Economic Growth, MENA Countries, Panel NARDL Approach

JEL Classification: C23, F21, G34.

* Associate Professor of Economics, Department of General Economic Affairs, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author) m.feshari@khu.ac.ir

** Assistant Professor of Economics, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

farzaneh.khalili2001@gmail.com

*** Associate Professor of Economics, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

a.hashemi@uma.ac.ir

**** Ph.D of Economics, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

nnn_yazdanshenas@yahoo.com

تأثیرات نامتقارن شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا)

مجید افشاری راد^{*}، فرزانه خلیلی^{**}، عبدالرحیم هاشمی دیزج^{***} و مهدی یزدان شناس با حقوق^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴	شماره صفحه: ۱۴۹-۱۷۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

بررسی ارتباط بین کیفیت نهادها و رشد اقتصادی، یکی از موضوعات مهم در ادبیات رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و در سال‌های اخیر همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران اقتصادی واقع شده است. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیرات نامتقارن شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۲۲-۱۹۹۶ می‌باشد. برای نیل به این هدف، از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی برای برآورد الگوی پویا و بلندمدت استفاده شده است. نتایج تخمین نشان‌دهنده تأثیرات نامتقارن افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی در بلندمدت و کوتاه‌مدت است. همچنین سایر متغیرهای توضیحی انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیروی کار، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد اما تأثیرگذاری درجه بازبودن اقتصاد به لحاظ آماری، معنادار نیست. بر اساس یافته‌های پژوهش، در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی شش مؤلفه حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌گردد و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی می‌شوند. از این‌رو توصیه می‌شود سیاستگذاران اقتصادی با انجام اصلاحات نهادی و ایجاد نهادهای سیاسی نظیر آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به قوانین و کیفیت قوانین و مقررات به افزایش شاخص حکمرانی خوب مبادرت ورزند و از این طریق زمینه بهبود رشد اقتصادی را در این کشورها فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت نهادی، رشد اقتصادی، کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی

طبقه‌بندی JEL: C23, F21, G34

m.feshari@khu.ac.ir

* دانشیار گروه اقتصاد امور عمومی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

farzaneh.khalili2001@gmail.com

** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

a.hashemi@uma.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

nnn_yazdanshenas@yahoo.com

**** دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۲

DOI: 10.22034/MEC.2024.10039

۱- مقدمه

تا دهه ۱۹۹۰، در الگوهای رشد، تنها عوامل اقتصادی دخالت داشتند اما از آن جایی که این الگوها نتوانستند علت تفاوت درآمد سرانه کشورها را به طور کامل توضیح دهند، نظریات جدیدی از جمله اقتصاد نهادگرایی جدید در ادبیات رشد، ایجاد و گسترش پیدا کرد که رشد اقتصادی را تنها محدود به عوامل اقتصادی نمی دانستند. طرفداران اقتصاد نهادگرا، نهادها را شکل دهنده محیط اقتصادی کشورها می دانستند و عامل اصلی عقب ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت های اقتصادی مولد بیان می کردند. از این رو عامل نهادی را که در الگوهای پیشین رشد مفروض گرفته می شد، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند. از سوی دیگر، الگوهای نئوکلاسیک رشد، تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عوامل اقتصادی نظیر سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری می دانستند اما تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری، ریشه در عواملی دارد که اقتصاددانان نهادگرا آن را ساختار نهادی هر کشور معرفی می کنند. به طوری که علت اصلی پایین بودن سطح درآمد سرانه در کشورهای توسعه نیافته را کمبود سرمایه و نیروی کار متخصص نمی دانند بلکه فقدان بستر نهادی مناسب برای فعالیت های اقتصادی مولد و انباشت سرمایه را عامل اصلی آن می دانند. ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد که از دهه آمیختگی نظریه جدید «رشد درون‌زا» و «اقتصاد سیاسی کلان» نوین توسعه یافته است، از اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. انتخاب سیاست عموماً از طرف اقتصاددانان به عنوان متغیری برون‌زا در ادبیات جدید به طور درون‌زا مورد بررسی واقع گردید؛ یعنی عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست های عمومی، فرهنگ، مذهب و ... وارد ادبیات رشد شدند و تحت عنوان عوامل نهادی مورد ارزیابی واقع گردیدند (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۹). از سوی دیگر تغییرات مختلفی که در سراسر جهان رخ داد معضلات جدیدی را در مورد مشروعیت دموکراسی به ارمغان آورد که استقرار آن در جهان نیازمند الزامات جدیدی است، یعنی افزایش کارایی و اعتبار نهادهای دموکراتیک، تقویت حاکمیت قانون برای تضمین عملکرد مناسب بازار، اقتصاد و مشارکت مؤثر شهروندان در زندگی سیاسی. این الزامات، مفهوم جدیدی را به نام حکمرانی مطرح کرد. حکمرانی به طور کلی به عنوان سنت ها و نهادهایی تعریف می شود که تعیین می کنند چگونه اقتدار در یک کشور اعمال می شود (اوچی و همکاران، ۲۰۲۲). با این وجود، رابطه بین حکمرانی و رشد اقتصادی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، مبهم است. اغلب مطالعات تجربی انجام شده، تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی را مثبت برآورد می کنند. از سوی دیگر مطالعات نظری و تجربی، دلالت بر تأثیرگذاری رشد تولید و درآمد ملی بر نهادها نیز دارند. در اغلب پژوهش های داخلی صورت گرفته همانند فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶) و ملکی حسنوند و همکاران (۱۳۹۸) در رابطه با ارتباط نهادها و رشد اقتصادی، تنها علیت از سمت نهادها به رشد اقتصادی از کانال هایی مانند افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، بهبود سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی، کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله و بهبود سرمایه اجتماعی بررسی شده است. پس از تبیین اهمیت داشتن رشد اقتصادی مطلوب و لزوم توجه به شاخص

نهادی و وفور مدیریت منابع طبیعی، سؤال این تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که شاخص حکمرانی خوب چه تأثیری بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا^۱ طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۲۲ دارد. برای این منظور در بخش دوم به مروری بر ادبیات تحقیق پرداخته و در قسمت سوم، تصریح مدل و پایگاه داده‌های آماری ارائه می‌شود. بخش چهارم به ارائه نتایج تجربی می‌پردازد و در نهایت در قسمت پنجم، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاست‌گذاری بیان می‌شود.

۲- ادبیات تحقیق

در این بخش به مروری نظری و تجربی بر رابطه شاخص نهادی و مدیریت منابع طبیعی با رشد اقتصادی پرداخته می‌شود و در ادامه، مهم‌ترین مطالعات تجربی صورت‌گرفته در خارج و داخل کشور بررسی و کنکاش می‌شود.

۲-۱- مبانی نظری تحقیق

در نظریات رشد اقتصادی جدید، بر تأثیر نهادهای سیاسی و اقتصادی و همچنین حکمرانی بر تولید و رشد اقتصادی تأکید دارند. عجم اوغلو و رایینسون^۲ (۲۰۱۲) ریشه‌های قدرت، شکوفایی و فقر مثال‌های متعدد از برهه‌های مختلف تاریخ را به همراه شواهد و مدارکی متعدد معرفی می‌کند که در همه آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های نامناسب رهبران به عنوان یک وجه مشترک مشاهده می‌شود. روشن است که باید دید چه چیز این رهبران و نظام تصمیم‌گیری را به نقطه مزبور رسانده است. از نظر عجم اوغلو و رایینسون (۲۰۱۲)، عملکرد این نهادها و صحت داشتن یا نداشتن عملکرد آن‌ها است که در نهایت منجر به ظهور طبقه‌ای از نخبگان و تصمیم‌سازان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره می‌شود که مجموع و برآورد تصمیم‌گیری‌های آن‌ها جامعه را به سمت و سوی خاص و بهبود رشد اقتصادی و درآمد سرانه هدایت خواهد کرد. حال، اگر این سمت و سو، مناسب و متناسب با آن برهه تاریخی جامعه و جهان باشد جامعه به پیروزی در اهداف اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و بهبود درآمد سرانه می‌رسد. اگر هم، چنین نباشد می‌توان گمان برد که به انحطاط و افول، راهی خواهد شد. عجم اوغلو و رایینسون، تأکید دارند جوامع با کارکرد نامناسب به دولت‌هایی ناموفق تبدیل می‌شوند اما می‌توان در این باره کاری کرد. می‌توان دولت‌هایی با زیرساخت و نظم و قانون داشت که مردم با اطمینان و آرامش به کار و کسب بپردازند و متکی به خدمات عمومی باشند اما اراده سیاسی برای این کار وجود ندارد. نیازی به وجود ارتش و نظامیان برای اجرای چنین طرح و برنامه‌هایی نیست؛ آنچه لازم است دقیقاً یک نظام اداری کارا و توانمند است تا بنیان‌های نهادی بازارها را برپا سازد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند. این مدل‌ها، ریشه تفاوت نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس‌انداز و نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در

۱. کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شامل کشورهای الجزایر، جیبوتی، مصر، بحرین، ایران، عمان، قطر، امارات عربی متحده، عراق، عربستان سعودی، مالت، مراکش، سوریه، تونس، اردن، کویت، لبنان، لیبی، کرانه باختری و غزه و یمن می‌باشند.

دومین مرحله اقتصاددانان تلاش کردند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه یافتگی بخش مالی، اهمیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف‌آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲). در این مسیر، حتی تفاوت کارکرد فناوری در کشورها و مناطق مختلف موردنظر قرار گرفت ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی ازجمله نهادها به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با رشد اقتصادی و درآمد سرانه وجود دارد (رنانی، ۱۳۷۶). در این باره بیان می‌دارد برخلاف باورهای مرسوم که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد می‌دانند یا مستلزم بازاری شدن اقتصاد، اقتصاد نهادگرایی جدید بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و غیربازاری؛ یا با واژگان کلاسیک، ترکیبی از بازار، برنامه و سنت یا با واژگان نهادگرایان، ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه (به مفهوم یک مجموعه نهادین منظم، هدفمند و دارای سلسله‌مراتب). اما این مجموعه نهادها، باید به گونه‌ای ترکیب شوند که نه تنها هزینه مبادله (در قراردادهای خصوصی میان کارگزاران اقتصادی) و سواری مجانی (در تصمیمات جمعی) را حداقل سازند (که برای کارایی تخصیصی بازار، ضروری است) بلکه سایر شاخص‌های عملکرد اقتصاد را همچون امنیت، عدالت توزیعی، مرؤت و همدردی، آزادی و ... نیز بهبود بخشند (کارایی برتر). عجم اوغلو و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد دارند تفاوت‌های عمیق کشورها در گذار، بحران‌ها و عملکردهای رشد، دلایل نهادی دارد و عملکرد ضعیف اقتصاد کلان و انحراف سیاست‌های کلان اقتصادی نشانه‌های این بیماری نهادی هستند.

واژه حکمرانی «بسیار انعطاف‌پذیر و چند بعدی است» اما بیشتر تعاریف حکمرانی مرتبط با «میزانی است که دولت‌ها به شهروندان پاسخگو هستند و برخی خدمات اساسی از جمله حفاظت از حقوق مالکیت و به طور کلی تر حاکمیت قانون ۷ را برای آنها فراهم می‌کند و همچنین میزانی است که نهادها به تصمیم‌گیرندگان دولتی انگیزه لازم برای پاسخگویی به شهروندان را ارائه می‌کند».

در تلاش برای درک تأثیرات اقتصادی حکمرانی، باید تحقیقاتی در زمینه دلایل تفاوت نهادها در بین کشورها متمرکز شود. به عبارت دیگر، چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که در ارائه خدمات به شهروندان‌شان در مقایسه با سایر کشورها از کارایی کمتری برخوردار هستند؟ چرا در برخی کشورها فساد شایع است و در سایرین این گونه نیست؟ چرا در کشورهای مختلف، در بوروکراسی اداری یا حفاظت از حقوق مالکیت، تفاوت مشاهده می‌کنیم؟ ادبیات اخیر در حوزه اقتصاد توسعه تلاش دارد تا به برخی از این سؤالات پاسخ دهد.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که گرایش به کندکردن رشد اقتصادی دارد، نظریات متفاوتی بیان شده است که تفاوت در جغرافیا، فرهنگ و نهادها به عنوان اصلی‌ترین دلایل تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را مختلف ذکر شده است. اما از بین این عوامل، تفاوت در نهادهای اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین و

کلیدی‌ترین عامل تفاوت در عملکرد اقتصادی جوامع به‌شمار می‌آید. محققان متعددی، ارتباط بین ساختارها و نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نظریه‌های سیاسی خاطرنشان می‌سازد که نهادها به‌وسیله کسانی که در قدرت هستند شکل می‌گیرند. آقیون و دورلوف (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که گروه‌های با منافع مختلف نهادهای متفاوتی را ترجیح می‌دهند و گروهی که قدرت سیاسی بیش‌تری دارند، نهایتاً تصمیم می‌گیرد که چه نهادهایی حاکم شوند.

سؤال این است که چگونه این نهادها بر پیامدهای اقتصادی تأثیر می‌گذارند؟ یک جواب آن است که نهادهای سیاسی و اقتصادی مناسب و کارآمد، منافع عموم را حداکثر می‌کنند و حاکمان در این ساختارها مسئول تمامی اقدامات و تصمیمات خود هستند؛ در حالی که نهادهای نامناسب، منافع حزبی یا فردی را به بهای منافع عموم جامعه حداکثر می‌کنند و در این حالت، حاکمان پاسخگوی جامعه نیستند و تلاش برای کسب منافع بیش‌تر و رانت‌های گسترده‌تر ممکن است منجر به تخصیص ناکارآمد منابع از منظر رفاه عمومی شود. علاوه بر این منابع به جای فعالیت‌های مولد، فدای فعالیت‌های بی‌فایده جست‌وجوی رانت می‌شوند حکمرانی خوب سرمایه انسانی و کارایی، استفاده از منابع را بهبود می‌بخشد و از این رو رشد اقتصادی را تحریک می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). حکمرانی خوب برای حفظ و نگهداری یک سیستم سیاسی صدا در یک کشور موردنیاز است. پس از آنکه نظام سیاسی باثبات گردید، رشد اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین، حکمرانی خوب، در سطح کلان بسیار مهم است. علاوه بر این، حکمرانی خوب در سطح خرد نیز بسیار موردنیاز است، حتی زمانی که شخصی یک مغازه کوچک یا یک شرکت در سطح ملی اداره می‌کند نیز حکمرانی خوب موردنیاز است. امروزه تلاش بسیاری از اقتصاددانان برای ایجاد و برقراری حکمرانی خوب است که در محیط‌های دانشگاهی امروز نیز بسیار راجع به آن بحث می‌گردد و بخش وسیعی از شعارهای سیاسی را نیز به خود اختصاص داده است. با وجود اینکه در مطالعات مختلف، حکمرانی خوب، پیش‌نیاز رشد اقتصادی است، هنوز رابطه بین این دو متغیر فراگیر نشده است (زبیر و خان، ۲۰۱۴).

کافمن و کرای^۲ (۲۰۰۳) فرض حکمرانی خوب به‌عنوان پیش‌نیاز مهم رشد را تأیید کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی، تأثیر مهمی بر رشد میان‌مدت و بلندمدت می‌گذارد. سایر نتایج این مطالعه و البته نتیجه کاملاً جدید، اشاره به این دارد که سطوح حکمرانی بهبود نمی‌یابد مگر با توجه به فرایند توسعه. به عبارت دیگر، رشد بالا به خودی خود، مستلزم کیفیت حکمرانی بهبودیافته نیست. مطابق با آن نتیجه، برای دستیابی و بهبود سطوح پایدار رشد میان‌مدت و بلندمدت، لازم است به‌طور آگاهانه‌ای در ساختار، فرایندها، نهادها و بازیگرانی که دستگاه دولتی را تشکیل می‌دهند، مداخله صورت گیرد (وهووار و جاگر، ۲۰۰۳).

در ادامه به بررسی تأثیر متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. یکی از متغیرهای مهم که تقریباً در تمام معادله‌های تولید و رشد وجود دارد، متغیر انباشت سرمایه فیزیکی است. سرمایه‌گذاری، عامل عمده پیشرفت اقتصادی به‌شمار می‌آید و به معنی عام عبارت است از تمام هزینه‌هایی که موجب حفظ، بقا یا افزایش ظرفیت‌های تولید و

1. Zubair & Khan

2. Kaufmann & Kraay

همچنین ایجاد درآمد می‌شود (فورمن و هایس^۹، ۲۰۰۴). به‌طور کلی توسعه پایدار مبتنی بر دانش و فناوری است و توسعه دانش و فناوری نیز بر پایه خلاقیت و نوآوری صورت می‌پذیرد. از دیگر سو، دستیابی به توسعه علمی مستلزم افزایش و جمع‌آوری منابع، امکانات و تسهیلات مادی بیشتر به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. از دیدگاه نظریه کلاسیک، انباشت سرمایه، کلید توسعه اقتصادی است (الماسی و سپهبان قره‌بابا، ۱۳۸۸). در معادله رشد نئوکلاسیک، سرمایه و نیروی کار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تولیدات داخلی به‌شمار می‌روند. لاندون لین و رابرتسون^{۱۰} (۲۰۰۳) و ایواساکو و فوتاگامی^{۱۱} (۲۰۱۳) از این متغیر در مطالعه خود استفاده کرده‌اند.

دیگر متغیر موجود در معادله رشد، متغیر سرمایه انسانی است. کوزنتس (۱۹۷۳) اعتقاد داشت مفهوم سرمایه که تنها سرمایه فیزیکی و کالایی را شامل می‌شود، مفهومی ناقص و نارساست از این‌رو باید سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی هر دو به حساب آیند. او در این ارتباط می‌گوید: سرمایه انسانی یک کشور صنعتی پیشرفته، ابزارها و ادوات صنعتی آن کشور نیست بلکه، اندوخته دانش‌هایی است که از آزمایش‌ها به‌دست می‌آید و کارآموختگی افراد آن کشور برای به‌کاربردن این دانش‌هاست.

همچنین، شولتز پدر نظریه سرمایه انسانی معتقد بود نقش بهبود کیفیت نیروی کار که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی حاصل می‌شود، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تولید در تحلیل‌های سنتی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی فراموش شده است (شولتز، ۱۹۶۱). به همین دلیل، گروهی از اقتصاددانان با استفاده از توابع تولید تلاش کردند تا تولید اضافی ایجاد شده به‌وسیله سطوح بالاتر آموزش را برآورد کنند. استدلال آن‌ها این بود که افزایش سطوح آموزشی، تولید مادی را بالا می‌برد زیرا نتایج آموزش رسمی و غیررسمی در مهارت‌های اضافی و توانایی‌های بالقوه افرادی که در بازار کار هستند و سرمایه انسانی در تولید را تشکیل می‌دهند، مستتر است. در نتیجه، وجود این افراد آموزش دیده موجب می‌شود ظرفیت تولیدی کل اقتصاد بالا رود و در نهایت، به رشد اقتصادی کمک کند (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۲). پولاسک^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۰)، گول ژفسکا^{۱۴} (۲۰۱۰)، سوندی و ویشر^{۱۵} (۲۰۱۱) نیگو^{۱۶} (۲۰۱۲) در مطالعات خود از این متغیر استفاده کرده‌اند.

دیگر متغیر موجود در معادله، متغیر انباشت جریان سرمایه‌گذاری خارجی است. انباشت سرمایه داخلی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی فرایند تولید، از منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به‌عنوان مکملی برای پس‌انداز داخلی، افزون بر پرکردن شکاف پس‌انداز-سرمایه‌گذاری، راه‌حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی بیشتر به‌وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد و از آن به‌عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می‌شود (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵).

تئوری‌های اقتصاددانان درخصوص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عوامل مؤثر بر آن به دو شکل است: نخست: بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری، همچنان که تئوری‌های اقتصاد کلاسیک، سرمایه‌گذاری را یکی از عوامل رشد اقتصادی می‌دانند. اما تئوری‌های جدید اقتصادی، افزون بر محفوظ نگاه داشتن نقش تاریخی برای سرمایه‌گذاری، دانش، فناوری و شیوه‌های جدید مدیریتی را نیز که بخشی از آن را از طریق

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان به دست آورد، در رشد اقتصادی مؤثر می‌دانند. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزون بر رفع کمبود سرمایه در کشور میزبان، با داشتن دو عامل جدید رشد، اهمیت زیادی در تئوری‌های اخیر دارد. بعضی از اقتصاددانان نیز جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان بخشی از تجارت بین الملل مورد کنکاش قرار داده‌اند. در این رویکرد، سرمایه‌گذاری مستقیم، تابع مقررات بین‌المللی است که به نظریه ترکیبی دانینگ^{۲۲} معروف است، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تابع موقعیت‌های مکانی است (فراوسن و ژوزفسون^{۲۳}، ۲۰۰۴). ارشد خان و علی‌خان^{۲۴} (۲۰۱۱)، تیواری و موتاسو^{۲۵} (۲۰۱۱) و بالتابائوف^{۲۶} (۲۰۱۳) از این متغیر در مطالعات خود استفاده کرده‌اند.

یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی درجه بازبودن تجاری است. مطالعات نظری رشد در بهترین وضعیت دلالت بر یک ارتباط مبهم و پیچیده میان محدودیت‌های تجاری و رشد اقتصادی دارد. ادبیات رشد درون‌زا به اندازه کافی در معرفی الگوهای متفاوتی که محدودیت‌های تجاری منجر به افزایش یا کاهش رشد اقتصادی می‌گردد، وسیع و متنوع است. در این میان، اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بر این باور هستند که افزایش درجه بازبودن تجاری، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی است و این مهم منجر به تشویق کشورهای جهان در افزایش همگرایی اقتصادی از طریق افزایش صادرات و واردات می‌گردد. به طور کلی این امر از طریق افزایش سطح تخصص‌گرایی و بهره‌وری کشورها صورت می‌پذیرد. شایان ذکر است که حتی با وجود پذیرش این امر که همگرایی اقتصادی و افزایش تجارت، موجب افزایش رشد اقتصادی جهان می‌گردد، همواره این ارتباط در کشورهای مختلف به علت تفاوت در تکنولوژی و فراوانی‌های عوامل تولید به شکل یکسان نمی‌باشد و در واقع در برخی کشورها تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. از دیدگاه پویا نیز نظریه‌های جدید رشد، امکان وجود رابطه بین درجه بازبودن تجاری و رشد اقتصادی را فراهم می‌کنند. به طور کلی، تأثیر کاهش در تعرفه‌ها بر رشد اقتصادی، به تأثیر تعرفه‌ها بر تخصیص عوامل تولید به تحقیق و توسعه بستگی دارد. اگر آزادسازی تجاری باعث تخصیص بیشتر عوامل به تحقیق و توسعه شود، نتیجه آن، رشد اقتصادی بیشتر خواهد بود. در حالت عکس، نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی خواهد بود (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۲- پیشینه تحقیق

در این بخش مهم‌ترین مطالعات تجربی خارجی و داخلی در مورد تأثیر عوامل نهادی بر تولید و رشد اقتصادی بررسی می‌شوند.

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

اروم و همکاران^۱ (۲۰۲۴) با بهره‌گیری از روش همجمعی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی مقطعی^۲ تأثیر شاخص حکمرانی خوب، مخارج دولت، وفور منابع طبیعی و شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی را در ۴۳ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۸۴ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش، دلالت بر تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار اثر متقابل مخارج دولت و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای موردبررسی دارد.

1. Erum et al.

2. Cross Sectional Augmented Autoregressive Distributed Lags (CS-ARDL)

آلوانی^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با استفاده از روش همجمعی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی تونس طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد برخی شاخص‌های حکمرانی خوب نظیر ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشور دارند. اوچی و همکاران^۲ (۲۰۲۲) به روش الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی^۳ تأثیر کیفیت دولت بر رشد اقتصادی ۵۴ کشور آفریقایی را طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ مطالعه می‌کنند. یافته‌های مطالعه آنها نشان می‌دهد حد آستانه‌ای شاخص کیفیت دولت برابر با ۰/۲ است و افزایش شاخص کیفیت دولت، تأثیر مثبت و کاهش آن، تأثیر منفی و معنادار بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در این گروه از کشورها دارد.

مبارک^۴ (۲۰۲۱) با استفاده از الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی، تأثیر شاخص کیفیت نهادی، حقوق مالکیت معنوی و سرمایه انسانی را بر رشد اقتصادی کشورهای G7 و D8 طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۸۴ آزمون می‌کنند. نتایج پژوهش، دلالت بر تأثیرگذاری شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورها در وضعیت شاخص کیفیت نهادی بالا دارد.

آودولاج و همکاران^۵ (۲۰۲۱) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر شاخص ادراک فساد و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲ کشور اروپای شرقی طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش، دلالت بر تأثیرگذاری مثبت و معناداری اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات و شاخص ادراک فساد بر درآمد سرانه کشورهای مورد مطالعه دارند. تان و همکاران^۶ (۲۰۲۰) به روش داده‌های تابلویی پویا تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را در ۶۲ استان کشور ویتنام طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۶ بررسی کردند. نتایج این مطالعه بیانگر تأثیر مثبت و معنادار حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی در استان‌های مورد بررسی است.

سیهام^۷ (۲۰۲۰) با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین زنده گشتاور تعمیم‌یافته، تأثیرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ را بررسی کرده است و به این نتیجه می‌رسد که شاخص‌های حکمرانی خوب، درجه بازبودن اقتصاد و سرمایه انسانی، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی طی سال‌های مورد مطالعه داشته‌اند.

ماتالاه^۸ (۲۰۲۰) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی ایستا و روش اثرات ثابت و تصادفی به بررسی نقش حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۱ کشور صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه

1. Alouani

2. Ochi et al.

3. Panel Smooth Threshold Regression (PSTR)

4. Moarak

5. Avdulaj et al.

6. Thanh et al.

7. Siham

8. Matallah

گرفته است که شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای موردبررسی دارند و در خروج اقتصاد این کشورها از نفرین منابع طبیعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ایسماهن و نجه^۱ (۲۰۱۹) با استفاده از روش همجمعی حداقل مربعات تصحیح شده و پویا به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب در مراکش طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که در بلندمدت، شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشور دارند.

عبدالباری و بنهین^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین زنده گشتاور تعمیم یافته به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۰۱ کشور طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که شاخص کیفیت مقررات، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای موردبررسی دارند.

هیسام اوغلو^۳ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر نهادها و رشد اقتصادی در ترکیه طی بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۷ می‌پردازد. این بازه زمانی به دلیل حرکت ترکیه در مسیر عضویت اتحادیه اروپا به عنوان عامل محرک بهبود کیفیت نهادی انتخاب شده است. نتایج این پژوهش، ضمن تصریح بر نقش مهم نهادها بر رشد اقتصادی ترکیه نشان می‌دهد تأثیر کیفیت قوانین و بروکراسی و همچنین مدیریت تضادهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی، بیش از سایر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی ترکیه تأثیرگذار بوده است.

هوانگ و هو^۴ (۲۰۱۷) با استفاده از روش علیت گرنجر به بررسی رابطه علی بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که رابطه علی یک‌سویه از حکمرانی خوب به رشد اقتصادی در این کشورها برقرار است.

دیاژ و تبالدی^۵ (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و نهادها با رشد اقتصادی با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته برای بیش از ۵۰ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۶۵ می‌پردازند. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد بهبود در کیفیت نهادها، انباشت سرمایه انسانی را بهبود بخشیده، نابرابری درآمدی را کاهش داده و حرکت در مسیر تاریخی توسعه را تسریع کرده است. همچنین نتایج این مطالعه تأکید می‌کند زیرساخت‌های مستحکم و نهادهای ساختاری که برای رشد اقتصادی ضروری به نظر می‌رسند، عملکرد بلندمدت اقتصادی کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد، حال آنکه در کوتاه مدت تأثیر چندانی بر رشد اقتصادی ندارد. همچنین ضریب اثرگذاری نهادهای سیاسی بر بهره‌وری و رشد بلندمدت اقتصادی، بی معنا است. از طرف دیگر، شدت تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بیش از کشورهای توسعه یافته است.

-
1. Ismahen & Najeh
 2. Abdelbary & Benhin
 3. Hisamoglu
 4. Huang & Ho
 5. Dias & Tebaldi

هیونه و جاچو چاوز^۱ (۲۰۰۹) به بررسی ناپارامتریک تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲۵ کشور (طبقه‌بندی شده به ۵ گروه اروپای غربی، اروپای شرقی، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا و آفریقا) در بازه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج حاصل نشان می‌دهد تنها سه شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون از شش شاخص حکمرانی بر رشد اقتصادی تأثیرگذارند و سه شاخص دیگر کنترل فساد، اثربخشی دولت و قدرت تنظیم‌کنندگی بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر است. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون دارای تأثیر غیرخطی بر رشد اقتصادی هستند و این موضوع به علت ناهمگنی شاخص‌های مذکور بین کشورها، مناطق و زمان‌هاست. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که تغییرات در راستای بهبود شاخص حکمرانی می‌تواند بیش از اصلاحات دیگر اقتصادی بر رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

آیت و همکاران^۲ (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر شاخص پاسخگویی سیاسی به‌عنوان عامل نماگر فساد و همچنین با در نظر گرفتن یک متغیر ابزاری برای مشخص کردن سطح حکمرانی بر رشد اقتصادی (نرخ رشد به ازای هر واحد GDP) در ۸۴ کشور جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ پرداخته‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد تأثیر متغیر فساد بر رشد اقتصادی به رژیم حکمرانی موجود بستگی دارد. زمانی که کیفیت نهادها یا حکمرانی در سطح بالایی هستند، فساد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد ولی در رژیم با کیفیت نهادی یا حکمرانی پایین، تأثیر فساد بر رشد اقتصادی، بی‌معناست. از طرف دیگر، تأثیر فساد بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت، قوی‌تر از بلندمدت است.

در مطالعه گیلبرت^۳ (۲۰۰۳) اهمیت حکمرانی خوب و کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف بررسی می‌شود. وی در این مطالعه با استفاده از داده‌های پانل در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ برای ۱۰۲ کشور در حال توسعه جهان، نتیجه‌گیری می‌کند ارتباط مستقیم و معناداری میان شاخص‌های کیفیت مقررات و کارایی دولت به‌عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی که به‌وسیله نرخ رشد درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود، وجود دارد. مطالعات هال و همکاران^۴ (۱۹۹۹) و کانگوندو^۵ (۲۰۰۶) نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی است.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

منصور لک‌ورج و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از رویکرد گشتاور تعمیم‌یافته سیستمی، نقش حکمرانی خوب و سرمایه انسانی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی را در گروه منتخبی از کشورهای در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۰ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و شاخص

1. Huynh & Jacho-Chavez

2. Aidt et al.

3. Gilbert

4. Hall et al.

5. Kangundu

حکمرانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، تأثیری مثبت و معنادار دارند. بنابراین می‌توان بیان کرد حکمرانی خوب و سرمایه انسانی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین بهبود رشد اقتصادی، نقش مؤثری دارند. صفرزاده و مظفری‌پور (۱۴۰۱) روش داده‌های تابلویی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد فراگیر را در دو گروه از کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۰ بررسی و نتیجه‌گیری کرده‌اند که در گروه کشورهای درآمد متوسط، شاخص حکمرانی خوب، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص رشد فراگیر دارد و دیگر عوامل توضیح‌دهنده رشد همچون سرمایه، نیروی کار، تکنولوژی، درجه بازبودن تجاری، مخارج دولت و شاخص توسعه انسانی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص رشد فراگیر در هر دو گروه کشورها دارند.

برهانی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) از الگوی رگرسیونی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی برای بررسی تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۶ استفاده کردند. یافته‌های آن‌ها رد فرضیه خطی بودن، وجود یک تابع انتقال پیوسته با دو رژیم متفاوت و حد آستانه‌ای ۰/۹۴- و سرعت انتقال ۱/۷۴ را برای شاخص حکمرانی خوب در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهند. علاوه بر این، نتایج مطالعه، بیانگر شدت یافتن تأثیر مثبت شاخص‌های حکمرانی خوب، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، درجه بازبودن اقتصاد و مخارج تحصیل در مقادیر بالاتر از حد آستانه‌ای محاسبه شده برای حکمرانی خوب هستند. همچنین ضریب تأثیرگذاری متغیر نرخ تورم در هر دو رژیم، منفی و معنی‌دار می‌باشد که البته در رژیم دوم از شدت تأثیرگذاری آن کاسته شده است.

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن، روش تأثیرات ثابت به تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی‌شدن و رشد اقتصادی در ۱۳۲ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۷ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شاخص حکمرانی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص رشد اقتصادی دارد و همچنین شاخص جهانی‌شدن، بر رشد اقتصادی، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و در نهایت حکمرانی خوب به عنوان متغیر تعدیل‌گر در رابطه بین شاخص جهانی‌شدن و رشد اقتصادی، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

ملکی حسونود و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته به بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۲ می‌پردازند. یافته‌های تجربی این مطالعه بیانگر این است که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و درجه بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است.

فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین نهادها و توسعه در کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ می‌پردازند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد در کشورهای صادرکننده و غیرصادرکننده نفت منطقه خاورمیانه، اختلاف معناداری بین تأثیر متقابل نهادها و توسعه وجود دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از داده‌های مربوط به کیفیت حکمرانی در ۹۷ کشور جهان در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی و شاخص‌های آن روی نرخ رشد تولید سرانه پرداخته و

به این نتیجه دست یافته‌اند که شاخص‌های حکمرانی برای گروه‌های درآمدی متفاوت تأثیرات همسان و هم‌جهت ندارند. چنان‌چه شاخص اظهار نظر و پاسخ‌گویی فقط در سه گروه از کشورها (گروه‌های سوم، چهارم و پنجم) تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. شاخص ثبات سیاسی فقط در گروه سوم، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد و در سایر گروه‌ها این چنین نیست. شاخص کارآمدی دولت فقط در گروه‌های سوم، چهارم و پنجم تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. در گروه اول، فقط شاخص کیفیت مقررات تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد.

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱) با بیان شاخص حکمرانی به عنوان عامل اساسی توسعه اقتصادی، به تحلیل آماری شاخص‌های حکمرانی و برخی از متغیرهای توسعه اجتماعی و اقتصادی طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ برای ۳۵ کشور برگزیده از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا می‌پردازند. به طور ضمنی، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد بهبود شاخص‌های حکمرانی (همچون شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی خدمات عمومی، مقررات تنظیم‌گری دقیق، تأمین قضایی و کنترل فساد) در کشورهای مورد بررسی، می‌تواند تأثیرات معناداری بر ارتقای شاخص‌های توسعه مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، بهداشت و آموزش و نرخ بیکاری و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته است.

مروری بر سابقه تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در مطالعات صورت گرفته و به ویژه پژوهش‌های داخلی، به بررسی کیفی رابطه بین حکمرانی و کیفیت نهادی و رشد اقتصادی به صورت بین‌کشوری پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی خطی، ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی را تبیین کرده‌اند. از آن‌جا که انتظار می‌رود تأثیرات افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورها متفاوت باشد؛ این مطالعه در راستای رفع این نقیصه، با بهره‌گیری از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی به تبیین روابط غیرخطی بین این دو متغیر می‌پردازد. بنابراین، نوآوری و وجه تمایز این مطالعه در مقایسه با پژوهش‌های داخلی همانند منصور لکوریج و همکاران (۱۴۰۲)، برهانی پور و همکاران (۱۴۰۰)، ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۹)، ملکی حسونود و همکاران (۱۳۹۸) مدل سازی تجربی و تصریح الگو با استفاده از مبانی نظری مرتبط و نیز برآورد مدل به روش غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی نامتقارن طی سال‌های ۲۰۲۲-۱۹۹۶ است.

۳- تصریح الگو و معرفی پایگاه داده‌های آماری

بر اساس مباحث ارائه شده در تبیین رابطه نهادها و رشد اقتصادی در بخش ادبیات موضوع و با الهام از مطالعات تجربی نظیر اوچی و همکاران (۲۰۲۲)، امرا و ال سعید (۲۰۲۱) و سیهام (۲۰۲۰) معادله رگرسیونی در نظر گرفته شده در این پژوهش به صورت زیر است:

$$GGDP_{it} = \beta_{i0} + \beta_1 GCF_{it} + \beta_2 L_{it} + \beta_3 FDI_{it} + \beta_4 OPEN_{it} + \beta_5 INS^+_{it} + \beta_6 INS^-_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

متغیرهای مورد استفاده به صورت زیر است:

GGDP: رشد تولید خالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵

GCF: تشکیل سرمایه ناخالص ثابت به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵

L: نیروی کار

FDI: خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی

OPEN: مجموع ارزش صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حقیقی

INS^+ و INS^- : افزایش و کاهش کیفیت نهادها.

برای نشان دادن این متغیر، از شاخص حکمرانی که بانک جهانی ارائه کرده است استفاده شده که زیرشاخص‌های آن عبارتند از: ۱- شفافیت و پاسخگویی (آگاهی، درک و میزان توانایی شهروندان کشور به منظور مشارکت در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی احزاب و انجمن‌ها و همچنین آزادی رسانه را می‌سنجد). ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت (آگاهی از احتمال اینکه دولت برخلاف قانون اساسی یا ابزارهای خشونت‌آمیز از جمله خشونت‌های با انگیزه سیاسی (برای مثال جنگ یا کودتا) و تروریست بی‌ثبات یا سرنگون شود را نشان می‌دهد). ۳- اثربخشی دولت (آگاهی از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات کشوری و درجه آزادی و استقلال این خدمات از فشارهای سیاستی، کیفیت تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و همچنین اعتبار تعهد و التزام دولت به چنین سیاست‌هایی را نشان می‌دهد). ۴- کیفیت تنظیم‌گری مقررات (آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی که جوازها و توسعه بخش خصوصی را ارتقا می‌دهد را شامل می‌شود). ۵- تأمین قضایی (درک و آگاهی از اینکه عوامل اقتصادی به چه میزان بر قوانین جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق دارایی‌ها، پلیس و دادگاه‌ها و نیز احتمال جرم و خشونت اطمینان، ایستادگی و وفاداری دارند را نشان می‌دهد). ۶- کنترل فساد (درک اینکه آیا قدرت عمومی در راستای تأمین منافع خصوصی اعمال شده است را افزایش می‌دهد و اشکال جزئی و کلی فساد و نیز تصرف و تسخیر دولت به‌وسیله نخبگان سیاستی و علائق خصوصی سیاستمداران را دربرمی‌گیرد).

شاخص کلی به صورت میانگین هندسی از شش مؤلفه فوق حاصل می‌شود. در ادامه برای بررسی دقیق‌تر، شش شاخص حکمرانی در سه گروه به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت حاصل می‌شود $(V,P)^{44}$.

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم‌گری مقررات حاصل می‌شود $(E,R)^{45}$.

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد حاصل می‌شود $(R,C)^{46}$.

^{۴۴} نشان‌دهنده جزء خطا، i نشان‌دهنده کشور و t نشان‌دهنده زمان است. شایان ذکر است در این تحقیق با بهره‌گیری از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی^۱ به برآورد مدل در ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی

سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۹۶ پرداخته می‌شود. در این روش در صورت مواجه شدن با آثار نامتقارن در افزایش و کاهش متغیرها (شاخص حکمرانی خوب)، باید از مدل معرفی شده شین^۱ (۲۰۱۴) استفاده شود. در الگوی با وقفه توزیعی نامتقارن که شین در سال ۲۰۱۴ معرفی کرده است، تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت به صورت نامتقارن محاسبه می‌شوند. در حقیقت، در این مدل متغیر توضیحی x_{it} (شاخص حکمرانی خوب) به دو متغیر منفی و مثبت (Δx_{it}^-) و (Δx_{it}^+) تجزیه می‌شود که به صورت زیر تعریف می‌گردند:

$$x_{it}^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_{jt}^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_{jt}, 0) \text{ و } x_{it}^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_{jt}^- = \sum_{j=1}^t \min(\Delta x_{jt}, 0) \quad (۲)$$

برای توصیف روابط نامتقارن بلندمدت و کوتاه‌مدت در الگوی ARDL استاندارد به فرم عمومی مدل‌های NARDL به صورت زیر خواهیم رسید:

$$\Delta y_{it} = \mu_i + \rho_y y_{it-1} + \rho_x^+ x_{it-1}^+ + \rho_x^- x_{it-1}^- + \sum_{i=1}^r \alpha_i \Delta y_{it-i} + \sum_{i=0}^s (\beta_i^+ \Delta x_{it-i}^+ + \beta_i^- \Delta x_{it-i}^-) + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

بالانویس (+) و (-) در معادله دوم، منجر به تفکیک تأثیرات در دو گروه خواهد شد. رابطه بلندمدت نامتقارن توسط ρ^+ و ρ^- به دست می‌آید و روابط کوتاه‌مدت نامتقارن توسط β^+ و β^- به دست می‌آیند. از یک سو تحلیل کوتاه‌مدت، در نظر گرفتن تأثیر متوسط تغییر در متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا می‌باشد و از سوی دیگر تحلیل بلندمدت، به معنی مقدار واکنش زمانی و سرعت تعدیل برای رسیدن به تعادل بلندمدت می‌باشد. تأثیرات متقارن بلندمدت را می‌توان با استفاده از آزمون والد و با فرض $\rho^+ = \rho^-$ آزمون کرد. ضرایب بلندمدت با استفاده از تغییرات مثبت و منفی به صورت $L^+ = -\rho_x^+ / \rho_y$ و $L^- = -\rho_x^- / \rho_y$ به دست می‌آید. این ضرایب مقدار تأثیرپذیری بلندمدت را نشان می‌دهد. تعدیل کوتاه‌مدت متغیر وابسته نسبت به تفاضل‌های مثبت و منفی متغیر مستقل، توسط پارامترهای β^+ و β^- به دست می‌آید. برای آزمون رابطه متقارن کوتاه‌مدت نیز می‌توان از آزمون والد با فرض متقارن بودن اثر شوک‌ها استفاده کرد.

تصریح دوم در صورتی با رابطه بلندمدت در تصریح اول مساوی خواهد بود که فرض صفر بلندمدت و کوتاه‌مدت متقارن رد نگردد. رد نشدن هرکدام از روابط بلندمدت یا کوتاه‌مدت متقارن، منجر به وجود رابطه هم‌انباشتگی بلندمدت NARDL در مدل سوم و همچنین رابطه کوتاه‌مدت NARDL به صورت رابطه زیر خواهد بود که عبارتند از:

$$\Delta y_{it} = \mu_i + \rho_y y_{it-1} + \rho_x x_{it-1} + \sum_{i=1}^r \alpha_i \Delta y_{it-i} + \sum_{i=0}^s (\beta_i^+ \Delta x_{it-i}^+ + \beta_i^- \Delta x_{it-i}^-) + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

$$\Delta y_{it} = \mu_i + \rho_y y_{it-1} + \rho_x^+ x_{it-1}^+ + \rho_x^- x_{it-1}^- + \sum_{i=1}^r \alpha_i \Delta y_{it-i} + \sum_{i=0}^s \beta_i \Delta x_{it-i} + \varepsilon_{it}$$

در چارچوب NARDL، واکنش نامتقارن متغیر وابسته به تغییرات مثبت و منفی در متغیر مستقل به این صورت محاسبه می‌شود:

$$m_h^+ = \sum_{j=0}^h \frac{\partial y_{i,t+j}}{\partial x_{i,t}^+}, m_h^- = \sum_{j=0}^h \frac{\partial y_{i,t-j}}{\partial x_{i,t}^-} \text{ با } h = 0, 1, 2, \dots \quad (5)$$

هنگامی که شرط $h \rightarrow \infty$ را داشته باشیم در نتیجه خواهیم داشت: $m_h^+ \rightarrow L^+$ و $m_h^- \rightarrow L^-$ که در آن $L^+ = -\rho_x^+ / \rho_y$ و $L^- = -\rho_x^- / \rho_y$ روابط بلندمدت نامتقارن در مدل می‌باشند (شین، ۲۰۱۴). پایگاه داده‌ها و اطلاعات آماری برای متغیرهای شاخص حکمرانی Worldwide Governance Indicators و سایر متغیرهای تحقیق world development indicators و نرم‌افزار برآورد مدل و تحلیل یافته‌های تحقیق استاتا^۱ نسخه ۱۷ است.

۴. نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این قسمت به برآورد مدل پرداخته می‌شود. به منظور برآورد الگو و تفسیر یافته‌های تحقیق، اطمینان از وجود وابستگی بین کشورها با بهره‌گیری از آزمون‌های پسران، فریدمن و فریز (۲۰۰۴) است که نتایج در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج آزمون وابستگی بین مقاطع یا کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

مقدار آماره آزمون پسران	مقدار آماره آزمون فریدمن	مقدار آماره آزمون فریز
-۰/۶۵	۴/۰۷	۰/۴۱
ارزش احتمال	ارزش احتمال	ارزش احتمال
۰/۵۱	۰/۱۵	۰/۳۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد بر اساس هر سه آماره آزمون فریدمن، فریز و پسران فرضیه صفر مبنی بر عدم وابستگی بین مقاطع رد نمی‌شود و وابستگی بین مقاطع برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سطوح معنادار ۱، ۵ و ۱۰ درصد تأیید نمی‌گردد. بنابراین لازم است از آزمون‌های ریشه واحد نسل اول نظیر ایم، پسران و شین استفاده کرد که نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون پایایی متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین

نام متغیر	GGDP	GCF	L	FDI	OPEN	INS ⁺	INS ⁻
آماره W	-۲/۵۲	-۸/۷۵	-۱/۸۴	-۲/۴	-۲/۰۷	-۷/۵۹	-۱۰/۷۱
ارزش احتمال	۰/۱۲	۰/۰۰۰	۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	I(۱)	I(۰)	I(۱)	I(۱)	I(۱)	I(۰)	I(۰)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج ایم، پسران و شین متغیرهای رشد اقتصادی، نیروی کار، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن اقتصاد پایا با یک مرتبه تفاضل‌گیری و سایر متغیرها در سطح پایا می‌باشند. از این‌رو برای حصول اطمینان از وجود رابطه بین متغیر وابسته (رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه) با متغیرهای توضیحی از آزمون‌های کائو و پدرونی برای بررسی همجمعی در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. نتایج آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همجمعی کائو و پدرونی برای آزمون رابطه تعادلی بلندمدت

مقدار واریانس جملات اختلال	مقدار آماره t	ارزش احتمال
۰/۰۱	۱/۷۵	۰/۰۳
مقدار آماره تائو	-۶/۵۷	۰/۰۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون همجمعی کائو و پدرونی بیانگر این است که قدر مطلق مقدار آماره تی و تائو از مقادیر بحرانی جدول در سطح معنی‌دار ۵ درصد بیشتر است و از این‌رو فرضیه صفر، مبتنی بر نبود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی، رد می‌شود. بنابراین می‌توان بیان کرد رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی با متغیرهای توضیحی و شاخص کل حکمرانی خوب، برقرار است. در ادامه لازم است با بهره‌گیری از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به بررسی تأثیر افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته شود. شایان ذکر است با توجه به طول دوره موردبررسی و معیار اطلاعاتی آکائیک وقفه بهینه متغیر وابسته یا رشد تولید یک و مقادیر بهینه متغیرهای توضیحی صفر تعیین شده است. نتایج تخمین الگوی پویا به صورت جدول ۴ است:

جدول ۴. نتایج تخمین الگوی پویا با مقادیر وقفه (۱۰۰۰ و ۱۰۰ و ۱۰ و ۱)

متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضریب	مقدار آماره t	ارزش احتمال
C	۱۱/۰۴	۳/۵۵	۰/۰۰۵
GGDP _{t-1}	۰/۲۱	۴/۱۵	۰/۰۰۰
INS ⁺	۱/۲۴	۳/۱۱	۰/۰۱
INS ⁻	-۰/۶۱	-۶/۱۲	۰/۰۰۳
L	۰/۵۹	۱/۹۷	۰/۰۸
GCF	۰/۷۳	۶/۲۳	۰/۰۰۲
OPEN	۳/۱۱	۱/۴۹	۰/۱۷
FDI	۱/۴۱	۸/۱۵	۰/۰۰۰

معیار اطلاعاتی آکائیک: ۴/۳

مقدار ضریب تعیین: ۰/۸۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تخمین الگوی پویا نشان می‌دهد مقدار وقفه دار مرتبه اول رشد اقتصادی، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در دوره جاری دارد به طوری که ضریب آن برابر با ۰/۲۱ می‌باشد. به عبارت دیگر، ضریب وقفه دار رشد اقتصادی بین صفر و یک است که دلالت بر همگرایی در رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد و ضریب تعدیل رشد برابر ۰/۷۹ است. افزایش شاخص حکمرانی خوب در دوره جاری تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته و ضریب آن برابر با ۱/۲۴ بوده است. از سوی دیگر، کاهش آن، تأثیر منفی و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارد و مقدار آن برابر با ۰/۶۱ - می‌باشد. بنابراین، تأثیرات نامتقارن شاخص حکمرانی خوب بر رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی قابل مشاهده است. درخصوص تأثیر متغیر شاخص حکمرانی خوب می‌توان بیان کرد که سطح بالاتر شاخص حکمرانی خوب که با کاهش فساد و اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات دولتی همراه است منجر به افزایش بیشتر (۱/۲۴) درصدی رشد تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود در حالی که در سطوح پایین‌تر شاخص حکمرانی خوب همراه با فساد زیاد و اثربخشی پایین‌تر دولت، رشد اقتصادی به میزان ۰/۶۱ درصد کاهش می‌یابد که مطابق با انتظارات تئوریک است. نیروی کار، تأثیر مثبت برابر با ۰/۵۹ بر رشد اقتصادی دارد که نشان می‌دهد با به کارگیری نیروی کار در تولید به دلیل ارتقای بهره‌وری آن رشد اقتصادی، افزایش می‌یابد. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن اقتصاد، تأثیر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارد اما تأثیرگذاری درجه بازبودن اقتصاد به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. دلیل این امر می‌تواند ناشی از سهم پایین نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی این گروه از کشورها باشد. بنابراین افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی از طریق بهبود تکنولوژی و فناوری تولید، به افزایش تولید و رشد اقتصادی کمک می‌کند. همچنین افزایش سرمایه‌گذاری، به افزایش تقاضا و ارتقای ظرفیت تولید و رشد اقتصادی منجر می‌شود. معیار ضریب تعیین مدل نیز ۰/۸۹ است که دلالت بر قدرت برازش مناسب مدل دارد. در ادامه، به تخمین الگو در بلندمدت پرداخته شده که نتایج به صورت جدول ۵ است.

جدول ۵. نتایج رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل

متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضریب	مقدار آماره t	ارزش احتمال
C	۶/۸۷	۴/۹۵	۰/۰۰۰۱
INS ⁺	۲/۱۱	۳/۹۸	۰/۰۰۴
INS ⁻	-۱/۵۹	-۵/۸۵	۰/۰۰۰۴
L	۰/۹	۲/۰۶	۰/۰۷
GCF	۰/۷۵	۳/۴۷	۰/۰۰۹
OPEN	۰/۷۱	۱/۳۹	۰/۲
FDI	۰/۶۵	۳/۱۴	۰/۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تخمین الگوی تعادلی بلندمدت، بیانگر این است که افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب به ترتیب تأثیر مثبت (۲/۱۱) و منفی (۱/۵۹-) بر رشد اقتصادی دارد و افزایش یک درصدی شاخص حکمرانی خوب، در وضعیت کاهش فساد و اثربخشی دولت و ثبات سیاسی، تأثیر مثبت و کاهش آن، وضعیت افزایش فساد و افزایش بی ثباتی و خشونت و ... رشد اقتصادی را به میزان ۱/۵۹ درصد کاهش می دهد. افزایش نیروی کار، سرمایه گذاری داخلی و خارجی منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی در گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می شود اما تأثیرگذاری درجه بازبودن اقتصاد بر رشد اقتصادی در بلندمدت معنادار نیست. با توجه به تأثیرگذاری متفاوت افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در بلندمدت لازم است آزمون نامتقارن بودن تأثیرات آن با بهره گیری از آزمون والد با توزیع کای دو انجام شود که نتایج به صورت جدول ۶ است:

جدول ۶. نتایج آزمون والد برای بررسی تأثیر عدم تقارن شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در بلندمدت

مقدار آماره آزمون فیشر	ارزش احتمال	مقدار آماره کای دو	ارزش احتمال
۱۲/۰۰۶	۰/۰۰۹	۱۲/۰۰۶	۰/۰۰۹
درجه آزادی (۸ و ۱)	-----	درجه آزادی (۱)	-----

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج هر دو آماره آزمون فیشر و کای دو بیانگر رد فرضیه صفر در سطوح معنادار ۱، ۵ و ۱۰ درصد است بنابراین در بلندمدت، اثر افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نامتقارن است.

در بخش بعد با توجه به وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل، لازم است الگوی تصحیح خطا (ECM) به منظور بررسی سرعت تعدیل خطای کوتاه مدت به سمت مقدار تعادلی و بلندمدت برآورد شود که نتایج آن در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷. نتایج تخمین الگوی تصحیح خطا

متغیرهای توضیحی	ضریب	مقدار آماره t	ارزش احتمال
ΔINS^+	۱/۲۳	۹/۰۸	۰/۰۰۰
ΔINS^-	-۱/۰۹	-۲۱/۹۱	۰/۰۰۰
ΔGCF	۰/۰۷	۱/۲۶	۰/۱۷
ΔFDI	۰/۶۶	-۳/۸۹	۰/۰۰۱
$\Delta OPEN$	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۹۷
ΔL	۰/۱۲	۱/۷۷	۰/۱۱
ECM_{t-1}	-۰/۴۳	-۳/۶۳	۰/۰۰۷

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج تخمین الگوی تصحیح خطا نشان می‌دهد افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب در کوتاه‌مدت نیز تأثیر مثبت و منفی و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی دارد و ضرایب آن‌ها به ترتیب $1/23$ و $-1/09$ است. ضریب مقدار وقفه دار جمله اخلاص برابر با $0/43$ می‌باشد که دلالت بر سرعت همگرایی الگوی کوتاه‌مدت به سمت مقدار تعادلی و بلندمدت خود دارد؛ به عبارت دیگر در مدت زمان $2/33$ دوره یا سال خطای کوتاه‌مدت تصحیح می‌شود و سرعت تعدیل نسبتاً بالا می‌باشد. متغیرهای نیروی کار و درجه بازبودن اقتصاد، تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت دارد اما اثر آن‌ها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. با توجه به متفاوت بودن ضرایب افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب در کوتاه‌مدت نیز لازم است تأثیرات عدم تقارن، آزمون شود که نتایج آزمون والد در جدول ۸ ارائه شده است:

جدول ۸. نتایج آزمون والد برای بررسی اثر عدم تقارن شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت

مقدار آماره آزمون فیشر	ارزش احتمال	مقدار آماره کای دو	ارزش احتمال
$31/54$	$0/000$	$31/54$	$0/000$
درجه آزادی (۶ و ۱)	-----	درجه آزادی (۱)	-----

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج هر دو آماره آزمون فیشر و کای دو بیانگر رد فرضیه صفر در سطوح معنادار $0/01$ و $0/10$ درصد است بنابراین در کوتاه‌مدت نیز اثر افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نامتقارن است. در بخش پایانی، نتایج آزمون‌های تشخیص جملات اختلال شامل نرمال بودن، نبود خودهمبستگی، نبود ناهمسانی واریانس و فرم تبعی مناسب مدل ارائه شده که نتایج در جدول ۹ گزارش شده است:

جدول ۹. آزمون‌های تشخیص جملات اختلال

نام آزمون	مقدار آماره آزمون	ارزش احتمال
جارت- برا	$1/29$	$0/58$
ریست رمزی	$0/5$	$0/48$
ضریب لاگرانژ (LM)	$0/03$	$0/86$
هاروی	$6/03$	$0/31$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول ۹ می‌توان بیان کرد که فرضیه صفر برای نرمال بودن توزیع جملات اختلال، فرم تبعی صحیح و مناسب مدل، نبود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس بر اساس مقادیر آماره آزمون رد نمی‌شود از این رو توزیع جملات اختلال از توزیع نرمال برخوردار است و دارای مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبه اول یا مراتب بالاتر نمی‌باشند.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی

هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۲۲ با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی در داده‌های تابلویی بوده است. برای این منظور، برای نشان دادن متغیر نهادها، از شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده این است که افزایش شاخص حکمرانی خوب (ارتقای کیفیت نهادها)، تأثیر مثبت و کاهش آن (تضعیف کیفیت نهادها) اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای موردبررسی در بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد و عدم تقارن ضرایب افزایش و کاهش آن با استفاده از آزمون والد تأیید شد. همچنین سایر متغیرهای توضیحی شامل انباشت سرمایه فیزیکی، نیروی کار، انباشت خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در بلندمدت دارد اما تأثیرگذاری درجه بازبودن اقتصاد به لحاظ آماری، معنادار نیست؛ به‌طور کلی تأثیرگذاری افزایش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در بلندمدت برابر با ۲/۱۱ است که نشان می‌دهد در سطوح بالاتر شاخص حکمرانی خوب افزایش یک‌واحدی شاخص منجر به افزایش ۲/۱۱ درصدی رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه و کاهش یک درصدی آن، رشد اقتصادی را ۱/۵۹ درصد کاهش می‌دهد. یافته‌های حاصل از این پژوهش با چارچوب نظری و مطالعات تجربی اوچی و همکاران (۲۰۲۲)، مبارک (۲۰۲۱) آودولاج و همکاران (۲۰۲۱)، سیهام (۲۰۲۰)، برهانی پور و همکاران (۱۴۰۰) و ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) همسو و سازگار است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل موارد زیر به سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای اسلامی در حال توسعه ارائه می‌شود:

- با توجه به تأثیر موردانتظار متغیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه و به‌ویژه تأیید تأثیرات نامتقارن آن بر رشد اقتصادی، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شش‌گانه نهادها (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون حضور خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد) بهبود و ارتقا یابند. این امر می‌تواند با انجام اصلاحات نهادی و ایجاد نهادهای سیاسی نظیر آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به قوانین و کیفیت قوانین و مقررات و افزایش شاخص حکمرانی خوب صورت گیرد. همچنین افزایش این متغیرها می‌تواند تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای نسبت به کاهش آن بر ارتقای ظرفیت تولید و در نتیجه رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته باشد.
- با توجه به تأثیر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای موردبررسی، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه برای جذب هرچه بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در راستای انتقال دانش و تکنولوژی تولید و نیز ارتقای فناوری داخلی و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان فراهم شود. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق افزایش نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش ظرفیت تولید و کیفیت آن و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی کمک کند.

• نیروی کار و افزایش کارایی آن سبب بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید و افزایش تولید می‌شود اما در صورتی که تقاضای نیروی انسانی همگام با عرضه آن رشد نکند، شاهد تأثیر اندک این متغیر بر متغیرهای کلان اقتصادی خواهیم بود. این امر عموماً در کشورهایی رخ می‌دهد که دارای مدیریت نامناسب برای ثروت‌های فراوان طبیعی هستند. زیرا در این کشورها به پشتوانه درآمدهای ناشی از فروش ثروت‌های نفتی، کمتر به عوامل جدید تولید که مبتنی بر دانش هستند (ازجمله سرمایه انسانی) توجه می‌گردد و تولیدکنندگان بیشتر به عوامل سنتی تولید (ارزان‌تر در مقایسه با عوامل جدید تولید به دلیل اتخاذ راهبردهای نامناسب اقتصادی) توجه می‌کنند. از این رو ضرورت دارد توجه جدی درخصوص گسترش بازار سرمایه انسانی از کانال اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ سمت عرضه و تقاضای کلان اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان به منظور دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات صورت گیرد. با توجه به تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیرهای درجه بازبودن اقتصاد و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا، بهبود درجه بازبودن اقتصاد (گسترش صادرات و افزایش ارزش افزوده تولید) و افزایش سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از کل سرمایه‌گذاری از طریق کاهش هزینه‌های نرخ بهره و نرخ تورم نیز می‌تواند به افزایش تولید و رشد اقتصادی این قبیل کشورها منجر شود.

منابع

منابع داخلی

- ابراهیم‌پور، حبیب؛ فتوره‌چی، زهرا؛ نعمتی، ولی؛ حمزه‌ای، نسرین. (۱۳۹۹). تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی‌شدن و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۰(۳۶)، ۶۹-۴۰.
- برهانی‌پور، علیرضا؛ گرائی‌نژاد، غلامرضا؛ دقیقی اصلی، علیرضا؛ هادی‌نژاد، منیژه. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا (رهیافت غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی)، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲(۴۵)، ۹۵-۱۱۴.
- جلیلی، زهرا؛ سلمانی‌بیشک، محمدرضا. (۱۳۹۷). مطالعه رابطه وفور منابع حکمرانی رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۵(۳)، ۱۶۴-۱۳۷.
- رنانی، محسن. (۱۳۷۶). بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، تهران.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ پورجوان، عبدالله. (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹(۲)، ۷۵-۵۳.
- شریف‌آزاده، محمدرضا؛ حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین. (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸). نامه مفید، ۹(۳۸)، ۱۹۲-۱۵۹.
- صادقی، مسعود؛ عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۲). برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۴۵. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵(۱۷)، ۷۹-۹۸.

- صفرزاده، اسماعیل؛ مظفری پور، ندا. (۱۴۰۱). برآورد تأثیر حکمرانی خوب بر رشد فراگیر در کشورهای منتخب، دوفصلنامه مطالعات و سیاست های اقتصادی، ۹(۱۷)، ۲۶۰-۲۳۹.
- فاتحی دابانلو، محمدحسین؛ هژبرکیانی، کامبیز؛ معمارنژاد، عباس؛ مهرآرا، محسن. (۱۳۹۶). نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه. مدل سازی اقتصادی، ۱۱(۳۹)، ۹۹-۱۱۸.
- الماسی، مجتبی؛ سپهیان قره بابا، اصغر. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه گذاری در نیروی انسانی و سرمایه گذاری فیزیکی با رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۵(۵۳)، ۱۸۶-۱۵۷.
- محمدپور، سیاوش؛ رضازاده، علی؛ رئوفی، علی (۱۳۹۸). بررسی رابطه درجه بازبودن تجاری و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منا: رهیافت علیت گرنجری پانلی، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۶(۴)، ۱۰۱-۱۲۸.
- محمدی، حسین؛ محمدی، مرتضی؛ تیرگری، محمد. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر رشد تولید سرانه در گروه های مختلف درآمدی در جهان با تأکید بر شاخص های حکمرانی. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۸(۳۰)، ۱۴۵-۱۰۹.
- ملکی حسونند، بهزاد؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام؛ غفاری، هادی. (۱۳۹۸). سازوکار اثرگذاری هم زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی. پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳۴)، ۹۹-۱۱۴.
- منصورلکوریج، کیانوش؛ بختیاری، صادق؛ قبادی، سارا. (۱۴۰۲). نقش حکمرانی خوب و سرمایه انسانی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (منتخبی از کشورهای در حال توسعه)، فصلنامه دانش سرمایه گذاری، ۱۳(۵۰)، ۲۸۶-۲۶۳.

منابع خارجی

- Abdelbary, I., Benhin, J.K. (2019). Governance, capital and economic growth in the Arab Region. *The Quarterly Review of Economics and Finance, Elsevier*, 73, 184-191.
- Acemoglu, D., Robinson, J. (2012). Why nations fail: Origins of power, prosperity and poverty. <http://www.levine.sscnet.ucla.edu/general/aandreview.pdf>.
- Acemoglu, D., Simon, J., Robinson, J.A., Yunyong, T. (2002). Institutional causes, macroeconomic symptoms: Volatility, crises and growth, CEPR. *Discussion Paper*, No. 3575.
- Aghion, P., Durlauf, S.N. (2005). Handbook of economic growth. *North Holland, Elsevier Press*.
- Aidt, T., Dutta, J., Sena, V. (2008). Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence. *Journal of Comparative Economics*, 36(2), 195-220.
- Alouani, A. (2023). Relationship between Governance Indicators and Economic Growth: a Descriptive Study," MPRA Paper 118413, University Library of Munich, Germany.
- Arshad khan, M., Ali khan, Sh. (2011). Foreign direct investment and economic growth in Pakistan: A sectoral analysis, Pakistan Institute of Development Economics. *Working Paper*, No. 2011:67.
- Avdulaj, J., Merko, F., Klodian M., (2021). The role of good governance in economic development: evidence from eastern european transition countries. *Journal Transition Studies Review*, 28(1), 67-76.
- Baldaccia, E., Hillmanb, A.L., Kojo, N.C. (2003). Growth, governance, and fiscal policy transmission channels in low-income countries. *European Journal of Political Economy*, 20, 517-549.
- Baltabaev, B. (2013). FDI and total factor productivity growth: New macro evidence, Department of Economics, Monash University, *Monash Economics Working Paper*, No. 27-13
- Bravo-Ortega, C., De Gregorio, J. (2002). The relative richness of the poor: natural resources, human capital and economic growth, Central Bank of Chile. *Working Paper*, No. 139.
- Cavacanti, T., Mohaddes, K., Raissi, M. (2011). Growth, development and natural resources: New evidence using a heterogeneous panel analysis. *Journal of The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4), 305-318.
- Colletaz, G., Hurlin, C. (2006). Threshold effects of the public capital productivity: An international panel smooth transition approach. *Working Paper*, 1/2006, LEO, Université d'orleans: 1-39.
- Cornelius, J.W. McArthur, Y., Schwab, K. (2002). The global competitiveness report 2001-2002. New York: Oxford University Press.

- Dias, J., Tebaldi, E. (2012). Institutions, human capital, and growth: The institutional mechanism. *Structural Change and Economic Dynamics*, 23(3), 300–312.
- Emara, N., , El Said, A. (2021). Financial inclusion and economic growth: The role of governance in selected MENA countries. *International Review of Economics & Finance*, 75, 34–54.
- Erum, N., Sohag, K., Said, J., Musa, K., Mansoor Asghar, M. (2024). Governance, Fiscal Expenditure, and Economic Growth in OIC Countries: Role of Natural Resources and Information Communication Technology, *Resources Policy*, 90(1), 104717.
- Fan, R., Fang, Y., Park, S.Y. (2012). Resource abundance and economic growth in China. *Journal of China Economic Review*, 23(3), 704-719.
- Flachaire, E., Garcia-Penalosa, C., Konte, M. (2014). Political versus economic institutions in the growth process. *Journal of Comparative Economics*, 42(1), 212–229.
- Frawsen, G., Josefsson, H. (2004). *FDI and developing countries, how to attract trans- national corporation?* School of Economics and Management, LUND University.
- Furman, J.L., Hayes, R. (2004). Catching up or standing still? National innovative productivity among ‘follower’ countries, 1978–1999. *Research Policy*, 33(9), 1329–1354.
- Gilbert, J. (2003). Trade liberalization and employment in developing economies. *Economie Internationale*, 2-3(94-95), 155-174.
- Golejewska, A. (2010). Human capital and regional growth perspective, Faculty of Economics, University of Gdansk, Poland. *Working Paper*, No. 1204.
- González, A., Teräsvirta, T., Van Dijk, D., Yang, Y. (2017). *Panel smooth transition regression models*. SSE/EFI Working Paper Series in Economics and Finance 604, Stockholm School of Economics.
- Gradstein, M. (2002). Rules, stability, and growth. *Journal of Development Economics*, 67(2), 471-484.
- Hamdi, H., Sbiba, R. (2013). The relationship between natural resources rents, trade openness and economic growth in Algeria. *Journal of Economics Bulletin*, 23(2), 1649-1659.
- Hisamoglu, E. (2018). EU membership, institutions and growth: The case of Turkey. *Economic Modeling*, 38(1), 211–219.
- Huang, C.J., Ho, Y.H. (2017). Governance and economic growth in Asia. *North American Journal of Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Huynh, K.P., Jacho-Chavez, D.T. (2009). Growth and governance: A nonparametric analysis. *Journal of Comparative Economics*, 37(1), 121-143.
- Ismahen, Y., Najeh, B. (2019). Foreign direct investment and economic growth: The role of the governance. *Economics Bulletin*, 39(4), 2711-2725.
- Iwaisako, T., Futagami, K. (2013). Patent protection, capital accumulation, and economic growth. *Journal of Economic Theory*, 52(10), 631-668.
- Jude, E. (2010). Financial development and growth: A panel smooth regression approach. *Journal of Economic Development*, 35(1), 15-33.
- Kangundu, P. (2006). *The quality of governance, composition of public Policy research*, The World Bank, Working Paper, No. 3106.
- Kaufmann, D., Kraay, A. (2003). Governance matters III: governance indicators for 1996–2002. *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 3106. Washington, DC: World Bank.
- Knack, S. (2002). *Democracy, governance and growth*, University of Michigan Press.
- Landon-Lane, J., Robertson, P. (2003a). Accumulation and productivity growth in industrializing economies, Department of Economics of Rutgers University. *Working Paper*, No. 200305.
- Landon-Lane, J., Robertson, P. (2003b). Structural change, accumulation and growth in developing economies. *Royal Economic Society Annual Conference*, 2003 No 129.
- Matallah, S. (2020). Economic diversification in MENA oil exporters: Understanding the role of governance. *Resources Policy*, 66, 1-11.
- Mobarak, A. (2021). An Investigation of the Impacts of Institutional Quality, Intellectual Property Rights and Human Capital on Economic Growth: Some Evidence from G7 and D8 Countries, *International Economics Studies*, 51(1), 51-72.
- Neagu, O. (2012). Measuring the effects of human capital on growth in the case of Romania. *Journal of Economics and Applied Informatics*, 1, 83-92.

- Ochi, A., Saidi, Y., Labidi, M.A. (2022). Non-linear Threshold Effect of Governance Quality on Economic Growth in African Countries: Evidence from Panel Smooth Transition Regression Approach, *Journal of the Knowledge Economy*, 10(7), 1-23.
- Pesaran, M.H., Friedman, M., Frees, E.W. (2004). General diagnostic tests for cross section dependence in panels'. *Cambridge Working Papers in Economics*, University of Cambridge.
- Poirson, H. (1998). Economic security, private investment and growth in developing countries, IMF. *Working Paper*, No. 9817.
- Polasek, W., Schwarzbauer, W., Sellner, R. (2010). Human capital and regional growth in Switzerland, Institute for Advanced Studies, Vienna. *Economics Series*, No. 250.
- Putterman, L. (2013). Institutions, social capability, and economic growth, *Economic Systems*, 37(3), 345-353.
- Sachs, J., Woo, T. (1997). Understanding China's economic performance. *NBER Working Paper*, No. 5935 (Cambridge, Massachusetts: National Bureau of Economic Research).
- Sachs, J.D., Warner, A.M., Schmidt-Traub, G., Kruk, M., Bahadur, C., Faye, M., McCord, G. (2004). Ending Africa's poverty trap. *Brookings Papers on Economic Activity*, 35(1), 117-240.
- Sarmidi, T., Siong, H.L., Jafari, Y. (2012). Resource curse: new evidence on the role of institutions. MPRA, *Working Paper*, No. 37206.
- Schultz, T.W. (1961). Investment in human capital. *American Economic Review*, 51(1-2), 163-184.
- Shin, Y. , (2014). *Modelling Asymmetric Co-integration and Dynamic Multipliers in an ARDL Framework*. In William C. Horrace and Robin C. Sickles (Eds.), *Festschrift in Honor of Peter Schmidt*. New York (NY): Springer Science & Business Media.
- Siham, M. (2020). Oil rents and economic growth in oil abundant MENA countries: Governance is matter? *Journal of Social and Economic Development*, 5(3), 124-138.
- Sunde, U., Vischer, T. (2011). Human capital and growth: Specification matters, School of Economics and Political Science, University of St. Gallen. *Working Paper*, No. 1131.
- Thanh, S. D., Hart, N., & Canh, N. P. (2020). Public spending, public governance and economic growth at the Vietnamese provincial level: A disaggregate analysis. *Economic Systems*, 44(4), 100780.
- Tiwari, A.K., Mutascu, M. (2011). Economic growth and FDI in Asia: A Panel-data approach. *Journal of Economic Analysis and Policy (EAP)*, 41(2), 173-187.
- Usui, N. (1997). Dutch disease and policy adjustments to the oil boom: A comparative study of Indonesia and Mexico. *Resources Policy*, 23(4), 151-162.
- Vehovar, U., Jager, M. (2003). Corruption, good governance and economic growth: The case of Slovenia. *Paper presented at the conference Institutions in Transition*. Kranjska Gora, Slovenia, 1-14.
- Westerluns, J., Edgerton, D. (2008). A simple test for cointegration in dependent panels with structural breaks, oxford bull. *Economic Statistics*, 70(5), 665-704.
- World Bank (2022). <http://data.worldbank.org>.
- Zubair, S.S., Khan, M.A. (2014). Good governance: Pakistan's economic growth and worldwide governance indicators. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences*, 8(1), 258-271.